

بسم الله الرحمن الرحيم

خوشا به حال کسی که الله سبحانه و تعالی او را به مقام شهادت برگزیده و وای بر کسی که ویرانی غزه و مصائب جباليا،
فردا خصم سرسخت او گردد!

(ترجمه)

طوفان الاقصی شایسته آن است که دنیا به آن گوش دهد و مجاهدانش همراه با خانواده‌هایشان در غزه‌ی با عزت، به پیشوایان و سروران جهان در ایمان، بخشنده‌گی و فداکاری تبدیل شوند. هر صاحب خردی که راه هدایت را می‌شناسد باید حقیقت این طوفان را درک کند. این طوفان، فراخوانی برای بازگشت به روزهای پرافتخار و جاودانه‌ی اسلام و گامی بلند برای رسیدن به قله‌های رفیع نبردهای عزتمندانه اسلامی‌ست.

این لرزه بزرگ است که زندگی و بعثت دوباره‌ای را نوید می‌دهد. اسلام عظیم در زمانی که امت تحت فشار قرار گرفته و یاری نمی‌شود، معجزه‌اش را به نمایش می‌گذارد. همه‌ی نیروهای کفر و شرارت، از صلیبیان خبیث و مغضوبان الهی گرفته تا خیانتکاران فرومایه‌ی سرزمین‌ها، گاوپرستان هندو، سنگ‌پرستان بودایی و مشرکان نفرین‌شده چین، دست به دست هم داده‌اند تا امت را به زانو درآورند.

طوفان الاقصی، تدبیری از جانب الله سبحانه و تعالی و پیام روشنی برای بندگان مؤمنش بود که از طریق گروهی اندک اما راستین و صبور از مؤمنان به اجرا درآمد. این گروه، با وجود تعداد اندک و امکانات محدودشان، ارکان کفر را لرزاندند و پایگاه‌های اصلی آن، به‌ویژه رژیم مغضوبان الهی را به چالش کشیدند.

آن‌ها در زمانی که حماسه‌ها نایاب شده بودند، حماسه‌ای بزرگ برای اسلام رقم زدند و رویدادی شگرف را پدید آوردند که رژیم صهیونیستی را بهت‌زده کرد. صاعقه‌ای که تنها در سه ساعت از بخشی از یک روز رخ داد، سرنوشت این ماجرای عظیم را تعیین کرد و غرب و بنیان‌های آن را به لرزه درآورد.

این گروه، بی‌تردید، مؤمنانی راستین، صبور و امیدوار به پاداش الهی بودند که در ایمان، به گذشتگان اقتدا کردند، در صبر با صابران به رقابت پرداختند و در جهاد، هم‌ردیف با فاتحان شدند. آنان به کافران نفرین‌شده، شدت توانایی مؤمنان، ثبات ایمان‌شان و عظمت صبرشان را نشان دادند و معنای واقعی ضربه بر دشمنان دین را به نمایش گذاشتند.

جهادشان، آیه‌ای از ایثار، فداکاری‌شان نماد بزرگواری و صبرشان نشانی از شکیبایی بود. در میان امت اسلام، خود آنان آیه‌ای بزرگ به شمار می‌آیند. شایسته بود که الله سبحانه و تعالی، شهدای از میان آنان برگزیند. جهادشان حیات‌بخش امت، ابتلاءشان نشان انتخاب الهی و مرگ‌شان شهادت بود. خوشا به حال کسی که الله سبحانه و تعالی او را به شهادت برگزید! خوشا به حال شهدای پاک‌نهاد غزه؛ کسانی که دنیا را در برابر عزت اسلام، کرامت امت و رضای پروردگارشان فروختند. آنان بزرگوارترین جان‌ها، شریف‌ترین قلب‌ها و پاک‌ترین نفس‌ها را داشتند.

آنان با خون خود در روزگار خشکسالی، زمین اسلام را آبیاری کردند. جهادشان همان بارانی بود که زمین اسلام را زنده کرد، خیراتش را رویاند و میوه‌هایش را به ثمر رساند. آنان با کار بزرگ خود، دل‌های کسانی را که پس از ایشان می‌آیند زنده کردند.

این قهرمانان، عامل اصلی در جنبش اسلام، حیات امت و جریان تاریخ آن هستند. جنگاوران‌شان پس از اتمام حماسه‌های خود، در میانه نبرد باشکوه از اسب‌های‌شان پیاده شدند و با خون پاکشان به سوی الله سبحانه و تعالی شتافتند؛ در حالی که هرگز به دشمن پشت نکردند. سوگند که این جهاد فرماندهان است و عظیم‌ترین جهادهاست. همان‌گونه که در حدیث عمرو بن عبسسه آمده است، از رسول الله صلی الله علیه و سلم پرسیده شد:

«أَيُّ الْجِهَادِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: مَنْ عَقَرَ جِوَادَهُ وَأَهْرَيْقَ دَمَهُ» (رواه أحمد وابن حبان في صحيحه)

ترجمه: کدام جهاد برتر است؟ فرمودند: کسی که اسبش کشته شود و خودش ریختانده شود.

غزه، همراه با مجاهدان و مردم صبور و امیدوار به پاداش الهی‌اش، مقدس است. روزی خواهد رسید که هرگاه از طوفان الاقصی، جنگ غزه، جهاد، صبر و فداکاری‌های عظیم مردم آن سخن به میان آید، مردم خواهند گفت: آنان مردمانی بودند که در دوران شکست، شکوه اسلام را برپا کردند، تا جایی که کارشان به حطین شباهت یافت و برای آیندگان، نمادی از صدق و راستگویی شدند. شما، چه در زندگی و چه در شهادت، پاک و گرامی هستید. شایسته است که نام‌های شما با آب طلا در دفتر پیروزی‌ها، در کنار قهرمانان جاویدان اسلام ثبت شود. رحمتِ الله بر شما باد! به پاس آنچه برای اسلام و امت آن با شایستگی به انجام رساندید.

امت اسلام همان غزه‌ی با عزت است که به بیعتی که با الله سبحانه و تعالی بسته بود، وفادار ماند و آن را به انجام رساند. این امت، شرط معامله‌اش را با الله کامل کرد و جان‌ها، عزیزان و اموال خود را در راه عزت اسلام و برافراشتن کلمه‌ی توحید فدا کرد و هیچ عذری برای شما باقی نگذاشت.

به الله سبحانه و تعالی قسم، این بیعت تنها بر گردن آنان نیست؛ بلکه بر گردن شما نیز قرار دارد. این معامله با الله، عهده‌ی است که بر گردن شماست و هیچ راه گریزی از وفای به آن ندارد. چگونه از این مسئولیت شانه خالی می‌کنید، در حالی که جنگ غزه، یک جنگ صلیبی تمام‌عیار است و غرب صلیبی با تمام نیروها، همراه با پست‌ترین مزدوران و خیانتکارانش، وارد میدان شده است؟ مصیبت امت اسلام اینست که گروهی اندک از مؤمنان، بدون پشتوانه‌ای محکم و در شرایطی سخت، بدون دولت اعتقادی، ارکان استراتژیک، ارتش و سلاح‌های پیشرفته و حتی بدون حمایت مستقیم امت اسلامی، در این نبرد حضور دارند. همه فرومایگان بشری علیه آنان متحد شده‌اند؛ از دولت‌های صلیبی و رژیم مغضوبان الهی گرفته تا نظام‌های خیانتکار و ننگینی که بر منابع امت چنگ انداخته‌اند، توان آن را محدود ساخته‌اند و از مسائل اساسی آن چشم‌پوشی کرده‌اند.

آیا زمان آن نرسیده که ای مسلمانان، طوفان خود را برپا کنید و حماسه‌ی بزرگ خویش را بیافرینید؛ حماسه‌ای که تاریکی شب کفر را پایان دهد و این همه مصیبت‌ها و رنج‌ها را از میان بردارد؟! در عصر شما، جاهلیت‌های ویرانگر بر جهان حاکم شده‌اند، تاریک‌ترین ظلمت‌ها همه جا را فرا گرفته، امور به دست نفرین‌شده‌ترین حاکمان زمین افتاده و شیطان در این زمانه لانه کرده و نسل‌پروری می‌کند. این واقعیت آشکار دوران شماست، پس دچار حیرت نشوید و از راه نجات نپرسید. چرا که ننگ بر مسلمانی که راه نجات خود را نداند، در حالی که نجات او در اسلامش نهفته است! بلکه با الله سبحانه و تعالی در ایمان خود صادق باشید، آستین همت را بالا بزنید و با اراده‌ای محکم و عزمی استوار به میدان بیاوید! بدانید که آغاز کار، نابودی این کفر سیاه است، باطل کردن فلسفه آن، ویران کردن نظام‌ها و حکومت‌های خائن و مزدورش. هرگونه تأخیر در ویرانی این بنیان‌های کفر، تنها به طولانی‌تر شدن مصیبت‌های شما و نافرمانی از فرمانروای مطلق شما منجر می‌شود. سرانجام این تلاش، تحقق حاکمیت شریعت پروردگار شماست؛

خلافتی بر اساس منهج نبی شما صلی الله علیه وسلم، تا پس از آن دیگر گمراه نشوید و در سختی نیفتید. در این کار، پایان همه مصیبت‌های شما، رضایت خالق، آفریننده، پروردگار و سرور شما نهفته است.

قضیه حیاتی شما، ای مسلمانان، در حالی که بزرگ‌ترین مصیبت‌ها و سخت‌ترین فجایع را پشت سر می‌گذارید و نابودی غزه و مصائب جبالیا شاهدی تکان‌دهنده بر آن است، بی‌پناهی شما در برابر دشمنان تان است. شما بدون دولت، در برابر دولت‌های کفر می‌جنگید؛ دولت‌هایی که سرسخت‌ترین دشمنان شما هستند، در حالی که شما هیچ دولتی، هیچ رهبری، هیچ فرماندهی و هیچ ارتشی ندارید که شما را یاری کند.

شما پراکنده و متفرق، بدون خلیفه، بدون امیر جهاد و بدون دولتی که بتواند ارتش‌ها را برای پایان دادن به جنگ با غرب کافر و مزدورانش بسیج کند، به نبرد مشغولید. از سوی دیگر، دشمنان تان ارتش‌های مجهز به پیشرفته‌ترین سلاح‌ها، برنامه‌ریزی‌های دقیق نظامی و کینه عمیق صلیبی، همراه با پشتیبانی برادران بوزینه حیوان صفت و پست‌ترین حاکمان و مزدوران خائن در حساس‌ترین منصب‌ها دارند. اما شما بدون دولت، سیاست، ارتش، سلاح و صنعت نظامی به میدان آمده‌اید. اما از همه مهم‌تر، غیبت اسلام از زندگی و سیاست شماست که بزرگ‌ترین فاجعه است. در یک کلام، شما بدون اسلام و دولت اسلامی، مانند یتیمانی هستید که در هر لحظه و به هر شکلی که دشمنان بخواهند، مورد هجوم قرار می‌گیرید. شما وارد نبردهایی شده‌اید که مخصوص دولت‌هاست، در حالی که خود دولتی ندارید و این، حقیقتاً بزرگ‌ترین مصیبت شماست!

شما تلاش می‌کنید تا ظلم حکام خود، فقر، جهل، فساد، سختی زندگی، ویرانی سرزمین‌ها و اسارت از دست دشمنان تان را از میان بردارید، اما بدون اجرای عملی نظام‌های اسلام در حکومت، سیاست، اقتصاد، اجتماع، آموزش، قضاوت، روابط بین‌الملل، جنگ و نظامی‌گری. در واقع، می‌خواهید بزرگ‌ترین معضل و مادر همه مصیبت‌های خود را با ابزارهای بی‌ارزش، تلاش‌های پراکنده و فهم نادرست و ناقص از اسلام حل کنید. برخی گمان می‌کنند که حل مشکل تنها در تزکیه فردی نهفته است؛ در حالی که این مصیبت، مصیبتی برای یک امت است که از شرق تا غرب زمین در حال ذبح شدن است. اما این افراد هنوز از پوسته فردگرایی و خودمحوری سکولاریستی خارج نشده‌اند، همان سکولاریسمی که عامل ویرانی سرزمین‌ها، فساد اوضاع و زیان دنیا و آخرت ماست. شعار نادرست‌شان این است: "فرد را اصلاح کن تا جامعه اصلاح شود." اگر هم اقدامی کنند، آن تنها شرکت در تظاهراتی است که هدفش فرو نشانیدن احساسات و خشم است. در همین حال، عده‌ای دیگر مشغول بازنویسی احادیث و شرح متون گذشته هستند، به بهانه علم شرعی، که در واقع سکولاریزه شده است و از مسائل اساسی امت و مشکلات واقعی جامعه جدا شده است.

این روند، اسلام را به نام علم شرعی جعلی از میان برده است؛ علمی که نه منکری را از بین می‌برد، نه معرفی را احیا می‌کند، نه باطلی را نابود می‌سازد و نه حقی را برپا می‌دارد. در عوض، کسانی که مدعی این علم شرعی جعلی هستند، بر منبرها می‌نشینند و مردم را به اطاعت از حکام خائن و مزدور دعوت می‌کنند. با تحریف، دروغ و ادعاهای باطل، این حکام خائن را "اولیای امور" معرفی می‌کنند!

ای امت اسلام! بر شما واجب است که به روشنی دریابید که ویرانی سرزمین‌های تان، سختی و تنگی زندگی تان، ریخته شدن خون‌های تان، هتک حرمت به نوامیس، غارت اموال تان و بی‌حرمتی به مقدسات پروردگارتان، جز به دلیل نابودی اسلام تان، از دست رفتن زندگی اسلامی تان، ترک حکم به شریعت پروردگارتان و از میان رفتن خلافت اسلامی و امامی که سپری برای شما باشد و در پشت او جهاد کنید، رخ نداده است.

این نابودی، نتیجه غیبت کامل حاکمیت اسلام است. و این حاکمیت فقط با خلیفه و دولت صورت می‌گیرد؛ امامی که مردم به او پناه برند و پشت سر او جهاد کنند. در سایه چنین حکومتی، زندگی اسلامی به کمال خود می‌رسد و کفر از ریشه نابود می‌شود. با وجود آن، طاعت الهی کامل می‌گردد، عبادت حقیقی تحقق می‌یابد و تقوا در جامعه گسترش می‌یابد. این حکومت حقوق ضایع شده را بازمی‌گرداند، ظلم را از بین می‌برد، عدالت را برقرار می‌کند و امنیت را برای همگان به ارمغان می‌آورد. در پرتو چنین نظامی، امنیت، رفاه، علم، عزت و اقتدار پدیدار می‌شود. این حکومت، مایه پیشرفت، تعالی، سربلندی و شکوفایی است. با آن، دنیا و آخرت اصلاح می‌شود و رضایت پروردگار آسمان‌ها و زمین، خالق و معبود همه آفریدگان، به دست می‌آید.

ای امت اسلام! غزه شما را فریاد می‌زند که برای نابودی کامل رژیم مغضوبان الهی برخیزید، نه تنها برای واکنش به جنایات آن، بلکه اجازه ندهید این رژیم حقیر شما را از حقیقت مسئله اصلی تان منحرف کند. این رژیم، صرفاً بقایای مردمانی است که درباره‌شان گفته شده:

﴿ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَآؤُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ﴾ [بقره: ۶۱]

ترجمه: ذلت و خواری بر آنان نوشته شده است و غضب الله (سبحانه و تعالی) را به دوش می‌کشند.

آنان قومی‌اند که اگر ترس و بزدلی فرزندی داشت، این‌ها فرزندان او بودند، همان‌گونه که الله سبحانه و تعالی درباره‌شان فرموده است:

﴿لَا يُفَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَىٰ مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ﴾ [حشر: ۱۴]

ترجمه: آن‌ها هرگز به صورت گروهی با شما نمی‌جنگند مگر در روستاهای محفوظ و محکم یا از پشت دیوارها.

در نبرد حطین، بازپس‌گیری بیت المقدس از صلیبیان تنها هفت ساعت از یک روز بهار سال 583 هجری قمری طول کشید، پس از آنکه صلیبیان هشتاد و هشت سال آن را آلوده کرده بودند. ما اثرشان را محو کردیم و سلطه غاصبانه‌شان را از ریشه برکندید تا جای که شمشیرهای ما از خون ستمگران‌شان سیراب شد.

حال، چگونه ممکن است نابودی چنین رژیم حقیری زمان بیشتری بطلبد؟! تنها یک ساعت از یک روز کافی است تا سرزمین‌ها را درنوردهیم و شنبه‌ای را رقم بزنیم که پایان این رژیم و نابودی کامل آن به دست الله سبحانه و تعالی رقم بخورد.

اما قضیه اصلی، همه در فقدان فرمانده جنگ شما، ارتش‌های به زنجیر کشیده‌تان و سرزمین‌های تحت استعمار شما نهفته است. و آن فرمانده نبرد و قهرمان حماسه شما که وعده الهی را در نابودی مغضوبان الهی، صلیبیان و مشرکان و خائنان مزدور محقق می‌کند، چیزی جز امام شما، سپر دفاعی تان، و خلیفه‌ی راشد شما نیست. بنابراین، مسئله اصلی، برپایی خلافت شما و تعیین و بیعت با خلیفه تان است. این، اولویت نخست شما برای نابودی رژیم مغضوبان الهی است؛ نه مسئله‌ای ثانوی یا متأخر. این، فریضه‌ای است که بر همه فرایض مقدم است، تاج فرایض الهی و واجبی که بدون آن، هیچ واجبی کامل نمی‌شود. در سایه خلافت، حکم شریعت پروردگارتان به کمال می‌رسد، جهادتان آغاز می‌شود، ارتش‌های تان به حرکت درمی‌آیند، دشمنان تان نابود می‌شوند و کلمه‌ی پروردگارتان، الله سبحانه و تعالی، برافراشته می‌گردد.

آیا زمان آن نرسیده که این ارتش‌ها به پا خیزند و حرکت کنند؟ ای اهل جنگ، ای صاحبان قدرت و توانایی: عقل از کار شما در حیرت است! اگر نابودی غزه و مصائب جبالیا شما را به واکنش وادار نمی‌کند، پس چه چیزی شما را به حرکت خواهد آورد؟ چه زمانی به پا می‌خیزید و اقدام می‌کنید؟

ای ارتش‌های مسلمانان! چگونه می‌توان از گناه کسانی گذشت که به عنوان نگهبانان خانه، آن را تسلیم دشمن کرده‌اند؟ آیا از روزی که شر آن فراگیر خواهد بود، نمی‌هراسید؟ آیا از خصمی سخت‌گیر نمی‌ترسید، کسی که خون فرزندان تان و حرمت زنان تان، گواه تلخ خیانت و کوتاهی شما باشد؟ آیا نمی‌ترسید که حتی اسلحه‌های تان، سنگ‌های تان و اندام‌های تان علیه شما شهادت دهند و شما را لعنت کنند؟ آیا زمان آن نرسیده که این ارتش‌های با غیرت به پا خیزند، این رژیم ننگین را نابود کنند و پلیدی و نجاست آن را ریشه کن سازند؟ به الله سبحانه و تعالی قسم که این کار تنها یک ساعت از یک روز زمان می‌طلبد، اگر اغیار به راه هدایت بازگردند و توبه کنند. تاج‌های خیانت و ننگ را بشکنید، اقتدار امت را بازگردانید و حکم و رهبری اسلام را احیا کنید.

ای فرماندهان ارتش‌ها! به سوی پروردگارتان بازگردید و توبه کنید، چرا که دنیا چیزی جز ساعتی از یک روز پر از سختی و آزمایش نیست، و پس از آن واقعه عظیم، طامه و صاخه فرا می‌رسد. در آن هنگام، شما در برابر پروردگار سخت‌کیفر قرار می‌گیرید که هیچ چیز از شما پنهان نخواهد ماند.

ای اهل جنگ، ای صاحبان قدرت و اقتدار! این جنگ شماست، اما علیه چه کسی؟ علیه پست‌ترین و بددل‌ترین مخلوقات که طوفان الاقصی رسوای‌شان کرد و پرده از چهره زشت‌شان برداشت.

ای اهل جنگ! این تاریخ افتخارات نیاکان شماست. مبدا کاری کنید که این تاریخ به ننگ و شرمساری بدل شود. این حطین است! و چه می‌دانید که حطین چیست؟ نبردی که تنها هفت ساعت از یکی از روزهای جاودان الله سبحانه و تعالی طول کشید؛ از طلوع آفتاب روز نبرد تا غروب آن. در آن روز، الله سبحانه و تعالی فرمان خود را به انجام رساند؛ پیروزی‌ای بزرگ و آزادی‌ای حتمی را رقم زد. نبرد حطین نبردی علیه تمامی لشکرهای صلیبی برای آزادی قدس، الاقصی و سرزمین شام از آلودگی کفر آن‌ها بود. آن روز، صبح شنبه، 24 ربیع‌الثانی سال 583 هجری قمری، برابر با 4 جولای 1187 میلادی، طلوع کرد. شمشیرهای سربازان مسلمانان در آن روز کشتاری بزرگ در میان صلیبیان به راه انداختند. شکست صلیبیان در حطین تنها یک شکست نبود، بلکه فاجعه ویرانگر بود؛ در این نبرد، صلیبیان طلایه‌داران شوالیه‌های خود را از دست دادند، شمار زیادی از آن‌ها کشته شدند و تعداد مشابهی به اسارت درآمدند. تا جایی که گفته شد: هرکس به کشته‌شدگان می‌نگریست، گمان می‌کرد هیچ اسیری باقی نمانده است و هرکس به اسیران نگاه می‌کرد، گمان می‌کرد هیچ کشته‌ای وجود ندارد.

پادشاهان، امیران و بزرگان صلیبیان به اسارت درآمدند و به خیمه ناصر مظفر صلاح‌الدین ایوبی، برده شدند. در میان آن‌ها، کثیف‌ترین و پلیدترین فرد، ارناط، حاکم کرک بود. صلاح‌الدین به او نزدیک شد، جنایاتش را به او یادآوری کرد و او را به خاطر گناهانش سرزنش کرد. سپس برخاست و گردن او را زد. صلاح‌الدین گفت: دوبار نذر کرده بودم که اگر او را به دست آوردم، او را خواهم کشت: یک بار هنگامی که قصد حرکت به سوی مکه و مدینه داشت، و بار دیگر وقتی که به قافله حمله کرد و آن را با خیانت غارت نمود.

این است حطین، حماسه‌ای عظیم که تنها هفت ساعت از یک روز به طول انجامید. نبرد حطین، نبردی علیه تمامی ارتش‌های صلیبی بود که تنها هفت ساعت از روز را به خود اختصاص داد. حال، نابودی رژیم پست و بزدل یهود چگونه خواهد بود؟!

ای دلاوران ارتش اردن و سربازان پاک‌نهاد مصر! به الله سبحانه و تعالی قسم، این کار تنها یک ساعت از یک روز زمان می‌برد، اگر به سوی پروردگارتان بازگردید و به راه هدایت قدم بگذارید! حتی یک ساعت برای مقابله با چنین مخلوقات حقیر و بزدلی از مغضوبان الهی، زمانی بیش از اندازه است.

مشکل این امت، هرگز در روحیه جنگجویی فرزندانش نبوده است؛ چرا که آن‌ها از فداکارترین و بخشنده‌ترین انسان‌ها هستند. مشکل اصلی، در نبود رهبری ربانی است؛ رهبری که این ظرفیت‌ها را متمرکز کند، جهت دهد و هدایت نماید. رهبری‌ای که این امت را به هدف والايش برساند: اجرای شریعت پروردگارش، و رهایی از استعمار و کفر آن.

ای سربازان مسلمان! آیا وقت آن نرسیده که حقیقت بزرگ خود را دوباره بیدار کنید، شکوه تاریخ پرافتخار خود را در یاری اسلام و امت آن احیا کنید و کلمه آن پروردگاری را برافرازید که حیات و مرگ، فرمانروایی و قدرت و سرنوشت شما در دستان اوست؟ آیا زمان آن نرسیده که به ندای پروردگارتان پاسخ دهید، بندهای کفر را پاره کنید، تاج‌وتخت‌های حکام خیانت‌پیشه و ننگین را درهم‌شکنید و امت را از شر آن‌ها رها سازید؟ این حکام، زنجیرها و غل‌های استعمار کفرپیشه و ستمگرند که نیروی عظیم شما را به اسارت کشیده‌اند. آن‌ها ابزار استعمار برای تحقیر و کوچک شمردن شما هستند. اما بدتر از همه این است که با اطاعت از آنان، خشم و غضب الله سبحانه و تعالی را بر خود می‌خوانید.

ای ارتش‌ها و سربازان مسلمان! پس از نابودی غزه و فجایع جبالیا، دیگر هیچ عذر و بهانه‌ای پذیرفته نیست. وای بر کسی که این مصائب، دلیلی علیه او شوند و شهداء، خصم سرسخت و گواهی بر کوتاهی‌اش باشند. به الله قسم، شما هیچ توجیهی ندارید، چرا که شما فرماندهان جنگ، رهبران میدان و صاحبان قدرت و توان هستید. شما ستون‌های اصلی حکومت‌ها و پیشگامان قدرت در جامعه‌اید. چگونه می‌توان از این امت مظلوم انتظار داشت که از ضعف افرادش کاری طلب کند که ارتش‌های نیرومند شما از انجام آن عاجز بوده‌اند؟!

به سوی پروردگارتان بازگردید، انحراف خود را اصلاح کنید و به اسلام‌تان بازگردید. بدانید که نخستین گام، کنار زدن و ریشه‌کن کردن حکام خائن و ننگین است. تنها با این کار، زنجیرها و غل‌های که قدرت شما را به بند کشیده‌اند، شکسته خواهد شد و فرمان پروردگارتان اجابت خواهد گشت.

به ندای مؤمنان خالص و آگاه پاسخ دهید، اسلام و امت آن را یاری کنید، امام خود را برگزینید، خلافت را برپا دارید، شریعت پروردگارتان را حاکم کنید و کلمه او را برافرازید. ارتش‌های خود را به حرکت درآوردید و تمامی سرزمین‌ها را از پلیدی کفر و سلطه دولت‌های آن پاک کنید.

ای امت اسلام، ای مؤمنان به الله قهار و جبار، مالک ملک و پروردگار آسمان‌ها و زمین! آیا از خشم حق برای مالکیت سرنوشت خود فریاد نمی‌زنید و فرماندهان و افسران ارتش‌تان را نمی‌طلبید تا بت‌های رویضه‌ها را نابود کنند، خیانت و ننگ آن‌ها را محو سازند، تاج‌وتخت‌های‌شان را درهم بشکنند و کلمه خالق و آفریننده‌تان را به اهتزاز درآورند؟ آیا نمی‌خواهید درهای خلافت راشده‌تان را بر مبنای روش نبوت بکشایید و با صداقت در برابر پروردگارتان و پیامبرتان صلی الله علیه و سلم قرار گیرید؟

بدانید که تنها نجات شما در ویرانی و نابود کردن ساختارهای ظلم و فساد و در برپایی پرچم اسلام و خلافت راشده بر ویرانه‌های بت‌های غرب و پیروان‌شان است.

﴿لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ﴾ (۴) **بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ** ﴿ [روم: ۴-۵]

ترجمه: همه چیز به فرمان الله (سبحانه و تعالی) است. چه قبل و چه بعد. و در آن روز، مؤمنان شاد خواهند شد. الله (سبحانه و تعالی) هر که را بخواهد یاری می‌کند و او بس چیره و بسیار مهربان است.

نویسنده: مناجی محمد

مترجم: احمد صادق امین